



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تأثیر خشونت در مدارس بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان

فاطمه مردانه^۱، عباس مشهدی رجب^۲، معصومه رضایی پری^۳، مرضیه قدمی رستاقی^۴

۱-کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان عتروت و اووان

۲-کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی رجائی شهر

۳-کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد تنکابن

۴-کارشناسی آمار دانشگاه پیام نور شهریار

چکیده

هر کودکی حق دارد بدون ترس به مدرسه برود. وقتی مدارس آموزش باکیفیت، فراگیر و ایمن ارائه می‌دهند، کودکان می‌توانند یاد بگیرند، روابط دوستانه برقرار کنند و مهارت‌های حیاتی را که برای گذر از موقعیت‌های اجتماعی نیاز دارند، به دست آورند. در بهترین شرایط، مدرسه کودکان را در مسیر آینده‌ای امیدوارکننده قرار می‌دهد. اما برای بسیاری از دختران و پسران در سراسر جهان، مدرسه جایی است که خشونت را تجربه می‌کنند. قلدری، آزار و اذیت، آزار کلامی، سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی، تنبیه بدنی و سایر اشکال تحقیر می‌تواند به دست همسالان، معلمان یا حتی مقامات مدرسه رخ دهد. علاوه بر این، خشونت در مدرسه می‌تواند باعث کاهش حضور در مدرسه، کاهش عملکرد تحصیلی و افزایش نرخ ترک تحصیل شود. این عواقب مخربی برای موفقیت و سعادت کودکان، خانواده‌های آنها و کل جوامع دارد. با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش به بررسی مفاهیم خشونت و روش‌های مقابله و جلوگیری از خشونت در مدارس می‌پردازد.

کلمات کلیدی: بدرفتاری، خشونت در مدارس، دانش آموز، قلدری، مراقبت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

خشونت به معنای رفتاری است که فرد با استفاده از نیروی جسمانی باعث صدمه و آسیب به فرد دیگری می‌شود؛ اما خشونت تنها به اینجا ختم نمی‌شود و می‌تواند از نوع لفظی هم باشد. قدرت و اثری که پشت کلمات هست توانایی آسیبی چندین برابری را بر روی ذهن و روان دارند. کودکان آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند و توجه به فراهم کردن مدرسه‌ای بدون خشونت برای رشد و تحصیل آن‌ها شایان اهمیت است. کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اغلب کاهش قابل توجهی در پیشرفت تحصیلی و بی میلی برای شرکت در فعالیت‌های مدرسه نشان می‌دهند [۱]. علاوه بر این، حق آنها برای اوقات فراغت، بازی و تفریح می‌تواند به خطر بیفتد زیرا آنها خود را از سایر کودکان منزوی می‌کنند و علاقه خود را به سرگرمی‌ها و فعالیت‌های بعد از مدرسه از دست می‌دهند. سلامت روحی و جسمی کودکان زورگو نیز در معرض خطر است: آنها ممکن است علائم افسردگی را نشان دهند یا در خوردن، خوابیدن مشکل داشته باشند یا از علائم فیزیکی مانند سردرد یا معده درد شکایت کنند. کوچکترین کودکان بیشتر تحت تأثیر خشونت قرار می‌گیرند: «آنها را در معرض رفتار وحشیانه دانش آموزان بزرگتر که از نظر جسمی قوی تر هستند، قرار می‌دهد، در حالی که باعث می‌شود خود بچه‌های خردسال تحت تأثیر فرهنگ خشونت مدرسه‌ای که در سال‌های بعد مدرسه تداوم می‌یابد و با رفتن به پایه‌های بالاتر این رفتار وحشیانه را ادامه دهند [۲].»

به همین ترتیب، شواهد نشان می‌دهد که کودکانی که به دیگران خشونت می‌کنند نیز ممکن است از سلامت روانی ضعیف رنج ببرند. اغلب آنها از این رفتار بزرگتر نمی‌شوند و در عوض آن را به روابط شخصی، خانوادگی و کاری بزرگسالان منتقل می‌کنند. اینشاملتمام هزینه‌های مرتبط با فرد، اطرافیان و جامعه به عنوان یک کل است. تأثیر منفی خشونت در مدارس فراتر از کودکانی است که مستقیماً تحت تأثیر خشونت قرار می‌گیرند. همچنین تأثیر نامحسوسی بر دانش آموزانی که شاهد آن هستند می‌گذارد و فضایی از ترس، اضطراب و ناامنی ناسازگار با یادگیری ایجاد می‌کند. در نهایت خشونت یا تهدید به خشونت ممکن است به گونه‌ای باشد که کودکان مدرسه را ترک کنند یا توسط والدین نگران در خانه نگهداری شوند. در نتیجه بر شانس آنها برای خروج از فقر تأثیر منفی می‌گذارد. در واقع، خشونت در خانه، در مدرسه و در جامعه یک تداوم است که از محیطی به محیط دیگر سرایت می‌کند. چنانچه بتوان مدارس را به عنوان محیط‌های عاری از خشونت تبدیل کرد، امکان ایجاد یکاستمرار جدید وجود دارد. [۳]

۲- خشونت

بسیاری فکر می‌کنند که خشونت به معنای درگیری‌های فیزیکی بین دو یا چند نفر است، در حالی که در یک تعریف کلی، خشونت به معنای هرگونه رفتاری است که نتیجه‌ی آن آسیب رساندن به شخص، حیوان یا اشیا شود. حال این آسیب می‌تواند جسمی باشد یا روحی، فرقی نمی‌کند، در هر دو حالت چون باعث رنجش، ناراحتی و آسیب رساندن به فرد شده است، نوعی خشونت و پرخاشگری به حساب می‌آید. بنابراین تهدید کردن، دشنام دادن، سیلی زدن، تحقیر کردن و ... همگی خشونت محسوب می‌شوند [۴]. خشونت مدرسه تحت عنوان گسترده‌تر خشونت کودکان قرار می‌گیرد. استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا ذهنی بر روی کودکان در محیط مدرسه یا افراد مرتبط با مدرسه کودک را توصیف می‌کند. اصطلاح خشونت مدرسه‌ای اعمال خشونت بین فردی را توصیف می‌کند که در یک مدرسه رخ می‌دهد. این رخداد می‌تواند به دو شکل غیرفعال و فیزیکی رخ دهد و باعث آسیب جسمی و روانی شود. اشکال غیرفعال خشونت در مدرسه شامل خشونت کلامی، تهدید، ارباب، طرد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کردن، و پرخاشگری الکترونیکی (خشونت سایبری) است. اشکال فیزیکی خشونت در مدرسه شامل انواع مختلفی از درگیری است و در موارد شدیدتر می‌تواند شامل حمله با سلاح یا درگیری با یک گروه باشد. درحالی‌که خشونت مدرسه مطمئناً به معنای خشونتی است که در داخل مدرسه اتفاق می‌افتد، همچنین به این معنی نیز می‌تواند تفسیر شود: خشونتی که می‌تواند در طول هر رویداد مربوط به مدرسه یا مدرسه اتفاق بیفتد. خشونتی که در زمانی رخ می‌دهد که کودک در راه رفتن یا بازگشت به یک رویداد مربوط به مدرسه است یا خشونتی که در زمانی که کودک در راه رفتن یا برگشتن به مدرسه است روی می‌دهد. [۵] مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه کودکان، خشونت را یک الگوی رفتاری به جای یک رویداد مجزا می‌داند. رایج ترین شکل خشونت کلامی است که اگر کنترل نشود، می‌تواند منجر به خشونت فیزیکی نیز می‌شود. این مطالعه تأکید می‌کند که تقریباً تمام خشونت‌ها ماهیت قدرت طلبانه دارند و با هدف اعمال فشار بر کودکان برای انطباق با ارزش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی آن‌ها به ویژه آن‌هایی که زیر بار حرف زور نمی‌روند. خشونت می‌تواند عواقب جدی برای قربانی و مجرم داشته باشد. به عنوان مثال هم برای فرد قلدر و هم برای دانش‌آموزی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، چرخه خشونت و ترس منجر به مشکلات بین فردی بیشتر و عملکرد ضعیف در مدرسه می‌شود. [۶]

۳- انواع خشونت در مدارس

۳-۱- خشونت جسمی و روانی

کمیته حقوق کودک، تنبیه فیزیکی یا بدنی را به عنوان هر تنبیهی که در آن از نیروی فیزیکی استفاده می‌شود و قصد دارد درجاتی از درد یا ناراحتی را هر چند سبک ایجاد کند، تعریف می‌کند. از سوی دیگر، تنبیه روانی شامل انواع تنبیه‌های ظالمانه و تحقیرآمیز است که ماهیت فیزیکی ندارند، از جمله تنبیهی که باعث تحقیر، کوچک شمردن، تهدید، ترساندن یا تمسخر کودک می‌شود. از نظر تأثیر، تنبیه بدنی می‌تواند به طور جدی توانایی یادگیری کودک را به خطر بیندازد. تنبیه بدنی همچنین می‌تواند عواقب جدی برای سلامت روحی و جسمی دانش‌آموز داشته باشد. با رشد آهسته مهارت‌های اجتماعی، افسردگی، اضطراب، رفتار پرخاشگرانه و عدم همدلی یا مراقبت از دیگران مرتبط است. [۵] همچنین به تداوم خشونت در مدارس کمک می‌کند. کتاب راهنمای یونسکو در مورد توقف خشونت در مدارس نشان می‌دهد که تنبیه بدنی، بی‌توجهی به آموزش دانش‌آموزان که چگونه انتقادی فکر کنند، قضاوت‌های اخلاقی درستی داشته باشند، کنترل درونی را در خود پرورش دهند و به شرایط و ناامیدی‌های زندگی به شیوه‌ای غیر خشونت‌آمیز پاسخ دهند. چنین تنبیهی به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که استفاده از زور، چه کلامی، چه فیزیکی و چه احساسی، قابل قبول است، به‌ویژه زمانی که برای افراد جوان‌تر و ضعیف‌تر باشد. این درس منجر به افزایش حوادث زورگویی و فرهنگ کلی خشونت در مدارس می‌شود. [۷]

۳-۲- درگیری فیزیکی و خشونت گروهی

دعوا، حمله فیزیکی و خشونت گروهی می‌تواند در مدارس ظاهر شود، یا ممکن است نشان دهنده نفوذ خشونت خارجی به محیط مدرسه باشد. در عمل، مقوله خشونت بیرونی یک مقوله وسیع است و تمایز بین خشونت مدرسه و خشونت بیرونی اغلب به سختی قابل تشخیص است. تأثیر درگیری و تهاجمات فیزیکی و ترس و ناامنی ناشی از آن، هم در میان قربانیان و هم در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بین کسانی که شاهد چنین حملاتی هستند، با در دسترس بودن و استفاده از سلاح‌هایی که از خارج به محیط مدرسه وارد می‌شوند، تشدید می‌شود [۳]

۳-۳- بیگاری و کار اجباری

در کشورهایی که دستمزد معلمان پایین است، جوامع و مدارس یا کارکنان مدرسه گاهی توافقاتی در مورد استفاده از نیروی کار کودکان به عنوان نوعی پاداش برای معلمان دارند. این کارها زمانی را که کودکان می‌توانند به یادگیری اختصاص دهند، چه در ساعات مدرسه و چه در اوقات فراغت، کاهش می‌دهد. آنها می‌توانند فراتر از توان و ظرفیت کودکان باشند و مهمتر از همه آنها می‌توانند کودکان را در موقعیت‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر خشونت جنسی و سایر موارد در مسیر مدرسه یا در خانه‌های کارکنان مدرسه قرار دهند. [۸]

۴- راهکارهای مقابله با خشونت در مدارس

۴-۱- گسترش استراتژی‌های کلی نگر

امیدوارکننده‌ترین طرح‌ها برای پایان دادن به خشونت در مدارس موفق به جدا شدن از رویکرد کاملاً بخش‌بندی شده به نفع راهبردهای کودک محور و شامل کل مدرسه می‌شوند. این راهبردها به دنبال غلبه بر تقسیمات بوروکراتیک و اداری نهادی با پرداختن به موضوع خشونت در چندین سطح به طور همزمان هستند؛ از جمله از طریق قانون‌گذاری، توسعه سیاست، تخصیص بودجه، سیاست اشتغال، آموزش معلمان، مدیریت مدارس و توسعه برنامه‌های درسی. مداخلات در سطح مدرسه و سیستم نه تنها حوادث خشونت را کاهش می‌دهد، بلکه به کاهش فرار از مدرسه، بهبود پیشرفت تحصیلی، و افزایش مهارت‌های اجتماعی و رفاه کودکان کمک می‌کند. رویکرد تمام مدرسه‌ای به خوبی توسط کمپین بین‌المللی بدون ترس بیاموز نشان داده شده است [۹]. تلاشی جهانی برای پایان دادن به خشونت علیه کودکان در مدارس که در سال ۲۰۰۸ راه‌اندازی شد. در سطح فردی، برنامه پیش‌بینی می‌کند: نظارت بر فعالیت‌های دانش‌آموزان؛ حصول اطمینان از اینکه تمام کارکنان در زمان وقوع قلدری در محل مداخله می‌کنند. برگزاری جلسات با دانش‌آموزان درگیر در قلدری؛ برگزاری جلسات با والدین دانش‌آموزان درگیر و تدوین برنامه‌های مداخله فردی برای این دانش‌آموزان. در سطح کلاس درس، برنامه اولوئوس خواستار موارد زیر است: ارسال و اجرای قوانین در سطح مدرسه علیه قلدری. برگزاری منظم جلسات کلاسی و برگزاری جلسات منظم با والدین. در سطح جامعه، اجزای برنامه عبارتند از: مشارکت اعضای جامعه در کمیته‌های هماهنگ‌کننده پیشگیری از قلدری. توسعه مشارکت با اعضای جامعه برای حمایت از برنامه‌های مدرسه؛ و کمک به انتشار پیام‌های ضد قلدری و اصول بهترین شیوه‌ها در جامعه. تجربه نشان می‌دهد که بیشترین هزینه‌های این برنامه در زمان راه‌اندازی اولیه است، اگرچه منابعی برای آموزش مداوم و سایر فعالیت‌هایی با هدف حفظ تعهد کارکنان مورد نیاز است. [۱۰]

۴-۲- سهیم کردن دانش‌آموزان در مقابله با خشونت

دانش‌آموزان معمولاً بیشتر از هر کس دیگری در مورد خشونت در مدرسه می‌دانند و اغلب بهترین ایده‌ها را در مورد جلوگیری از خشونت دارند. برای موفقیت، همه باید با هم همکاری کنند - مدیریت مدرسه، معلمان، والدین و مهم‌تر از همه دانش‌آموزان.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نکات زیر برای بسیاری از مدارس کارآمد بوده است، زیرا کارکنان مدرسه، والدین و دانش‌آموزان برای موفقیت آنها با یکدیگر همکاری کردند. شورای مدارس باید آگاهی دانش‌آموزان را نسبت به مسئولیت خود در ایجاد مدرسه ایمن ارتقا دهد. رسیدگی موثر به خشونت در مدارس بدون مشارکت معنادار کودکان امکان پذیر نیست. در واقع کودکان این ظرفیت را دارند که به عنوان عوامل مهم تغییر عمل کنند. اشتیاق و تعهد کودکان به این معنی است که طرح‌های ساده هم می‌توانند سرعت حرکت مهمی به دست آورد. آمادگی کودکان برای پاسخگویی و عمل به این ایده که مدارس باید عاری از خشونت باشد، از جمله خشونت‌هایی که توسط خود کودکان انجام می‌شود، مانند قلدری و دعوا، با پرورش نگرش‌ها و رفتارهای مثبت، صلح‌آمیز و مداراگونه در اوایل کودکی افزایش می‌یابد. [۲] طرح‌های اولیه دوران کودکی می‌تواند آمادگی رشد را در بین کودکان بهبود بخشد، ورود به موقع به مدرسه را تضمین کند و نتایج یادگیری بهتر را تشویق کند. همچنین می‌تواند از الگوهای رفتاری قلدری که در سنین پایین ظاهر می‌شود جلوگیری کند. علاوه بر این، ابتکارات اولیه احتمالاً تاب‌آوری کودکان را افزایش می‌دهد. تاب‌آوری به توانایی کودک برای کنار آمدن موفقیت‌آمیز با چالش‌های روزمره، استرس و ناملازمات اشاره دارد و از توانایی او در ایجاد روابط مثبت با دیگران ناشی می‌شود. افزایش تاب‌آوری احتمال واکنش کودک با خشونت یا قربانی شدن آن را کاهش می‌دهد. این حوزه ای است که برای درک عوامل مؤثر در تاب‌آوری کودکان، یعنی ویژگی‌هایی که باعث می‌شود کودکان کم و بیش قربانی شوند و کم و بیش توانایی مقابله با این قربانی شدن را داشته باشند، به کار بیشتری نیاز دارد. [۱۱]

مدرسه برای اغلب بچه‌ها، اولین مکانی است که در آن زندگی در کنار همسالان را تجربه می‌کنند. مدرسه، یک نهاد کوچک اما پراهمیت است که نمی‌توان آنرا جدا و متفاوت از جامعه دانست. به این ترتیب ممکن است هر رویداد اجتماعی بر مدرسه هم اثر گذارد. مدرسه، مکانی مهم برای دانش‌آموزان است. دانش‌آموزانی که برای زندگی آماده می‌شوند و باید بیاموزند «اجتماعی شدن» را و نحوه تعامل با اطرافیان را که این امر، از طریق احترام به دیگران و پذیرفتن آنان صورت می‌گیرد. اصل مشارکت با کودکان ایجاب می‌کند که این مشارکت بدون استثنا با همه کودکان ایجاد شود. این بدان معناست که باید گام‌های ویژه‌ای برداشته شود تا آسیب‌پذیرترین کودکان در تمامی طرح‌ها برای پیشگیری و از بین بردن خشونت در مدارس گنجانده شوند. در مورد کودکان دارای معلولیت، گنجاندن دیدگاه معلولیت در همه طرح‌ها برای از بین بردن خشونت در مدارس، کمک زیادی به اطمینان از برخورداری این کودکان از حق خود برای آموزش خواهد کرد. این ممکن است شامل آموزش و حمایت بیشتر از معلمان، بسیج والدین و مدیران مدارس، تقویت نهادهای دانش‌آموزی مانند شوراهای مدارس، تسهیل فرصت‌های رهبری برای کودکان دارای معلولیت و البته کار با خود کودکان برای ترویج احترام به کودکان دارای معلولیت باشد. [۱۲]

۳-۴- پشتیبانی از معلمان و کارکنان آموزشی در مقابله با خشونت

از بسیاری جهات، این نگرش، رویکرد و مهارت‌های معلمان و سایر کارکنان است که مستقیماً به تجربه کودک در مدرسه شکل می‌دهد. در حالت ایده‌آل، زمانی که نظم و انضباط لازم است، باید تقویت مثبت، انتقاد سازنده و راهنمایی و آموزش روشن را هدف قرار داد. این مهارت‌های آموزشی باید از طریق آموزش کافی در مورد نظام جایگزین، به اشتراک گذاشته شوند و یاد گرفته شوند. معلمانی که رفتار سازنده و اجتماعی پسند از خود نشان می‌دهند، دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کنند و از آن‌ها محافظت می‌کنند، با نشان دادن روشی مثبت و جایگزین برای پاسخ به چالش‌های زندگی، انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان خود را افزایش می‌دهند. در برخی موارد، معلمان باید با کار در یک محیط بسیار پرتنش نیز کنار بیایند. سازمان بین‌المللی کار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بیان می‌کند: معلمان، بزرگترین دسته شغلی در بخش آموزش، بار خشونت و استرس بر کارکنان را متحمل می‌شوند. تعاملات فشرده بین مدیران مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان بر سر روش‌ها و نتایج یادگیری و بی‌انضباطی دانش‌آموزان که اغلب ناشی از عوامل بیرونی است، تنش‌هایی را ایجاد می‌کند که منشأ خشونت به ویژه در سطوح متوسطه است. [۱۳]

به منظور کاهش سطح استرس برای معلمان، سازمان بین‌المللی کار مشارکت طیفی از عوامل در سطوح مختلف، از جمله مدیریت مدرسه و در سطوح بالاتر، نمایندگان اتحادیه معلمان، و کارکنان پزشکی و بیمه علاوه بر افراد آسیب‌دیده را توصیه می‌کند. در سطح فردی، راه‌حل‌ها بر آموزش برای شناخت مشکلات و علائم بالقوه، مشاوره و حمایت از قربانیان و مبتلایان و انتقال به محیط‌های کمتر استرس‌زا یا خشونت‌آمیز تأکید دارند. ابتکارات برای ارتقای سلامت مدرسه یا سازمان شامل تلاش برای اطمینان از استحکام انسجام سازمانی و ادغام آن از اهداف، وظایف، مهارت‌های حل مسئله و تلاش برای توسعه است، در حالی که مداخلات سازمانی برای کمک به مدیریت استرس در آموزش شامل طراحی مجدد کار، ارگونومی، آموزش معلمان و مشاوره است تا به معلمان در مقابله و سازماندهی تیم‌های مدرسه برای کمک به بازگرداندن سلامت سازمانی یاری برساند [۴].

معلمان برای ایجاد کلاس‌های فراگیر نیاز به حمایت دارند که در آن همه کودکان بتوانند از حق خود برای آموزش در محیطی امن برخوردار شوند. ارزش‌های ضد خشونت باید هر روز در کل ساختار مدرسه ترویج شود و بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت مدرسه شود. این ممکن است به معنای همکاری با مقامات آموزش و پرورش، دعوت از مشارکت اتحادیه معلمان، تعامل با مدیران مدارس، بسیج فرمانداران مدارس و تشویق اعضای دانش‌آموزی مانند شوراهای مدارس باشد. همچنین باید یک آیین نامه رفتاری واضح برای همه کارکنان مدرسه وجود داشته باشد و هر عضوی از کارکنان که این قانون را نقض کند باید تحریم‌های مناسبی اعمال شود. تحریم‌ها باید شامل هر کارمندی شود که به میل خود از گزارش حوادث خشونت‌آمیز، از جمله قلدری، آزار، سوء استفاده یا تنبیه بدنی کوتاهی کند. [۲]

۴-۴- ایجاد دگرگونی در هنجارهای اجتماعی

خشونت مبتنی بر مدرسه مشکلی محدود به مدارس نیست، بلکه یک مسئله پیچیده و چندوجهی اجتماعی است. مدارس فضاهای اجتماعی هستند که روابط قدرت، سلطه و اعمال تبعیض در جامعه و اجتماع گسترده‌تر در آنها منعکس می‌شود. خشونت علیه کودکان در مدارس با سنت‌های فرهنگی-اجتماعی، برنامه‌های سیاسی، ضعف سیستم‌های آموزشی، شیوه‌های اجتماعی و اقتصاد کلان جهانی مرتبط است. جریان کمک‌های مشروط و همچنین کارایی داخلی در هزینه‌های آموزشی، بر سیستم‌های آموزشی ملی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند منجر به جذب ناکافی معلمان و کاهش بودجه‌های آموزشی معلمان شود. در بسیاری از موارد، خشونت علیه کودکان یک هنجار اجتماعی است. ممکن است منعکس‌کننده ساختارهای قدرت در جامعه باشد و به عنوان اقدامی مناسب برای کمک به یادگیری و بلوغ کودک در نظر گرفته شود. [۷] برای مثال، در بسیاری از کشورهای آفریقایی، خشونت مدارس اغلب به نام سنت ادامه دارد. این ارزش‌ها ممکن است در درون خود کودکان ریشه کند و خشونت را عنصر ذاتی دوران کودکی خود، راهبردی معتبر برای تحمیل انضباط و در نتیجه وسیله‌ای مناسب برای مذاکره درباره وضعیت و موقعیت خود با همسالان خود ببینند. بنابراین تلاش‌ها برای پایان دادن به خشونت در مدرسه باید به دنبال ترویج تغییر در نگرش والدین، خانواده‌ها و جوامع گسترده‌تر باشد. اگر کودکان در خانه یا خیابان در معرض خشونت قرار گیرند و آن را وسیله‌ای مشروع برای حل تعارض بدانند، یا آن را به عنوان وسیله‌ای برای تسلط بر موقعیت بشناسند، احتمال



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اینکه آنها این ارزش ها را وارد مدرسه خود کنند بسیار زیاد است. در مواردی که چنین است، تلاش ها برای کاهش خشونت در مدارس ممکن است نیاز داشته باشد با طرح های کاهش خشونت در جوامع یا برنامه های فرزندپروری در خانواده ها تکمیل شود. [۹]

۴-۵- ایجاد بستری قانونی برای حمایت از دانش آموزان جهت مقابله با خشونت

قوانین شفاف و بدون ابهام که هرگونه خشونت علیه کودکان از جمله خشونت در مدرسه را ممنوع می کند، جزء کلیدی هر راهبرد ملی جامع برای مقابله با خشونت علیه کودکان است. ممنوعیت قانونی خشونت علیه کودکان در مدارس و سایر محیط ها برای ایجاد شرایط برای طرح های محلی موفق حیاتی است. همچنین پیامی قوی به والدین، معلمان، مقامات مدرسه و جوامع به طور کلی می فرستد که خشونت علیه کودکان برای دولت غیرقابل قبول است. اثربخشی قوانین همچنین به افزایش آگاهی دانش آموزان، والدین، مراقبان و عموم مردم و به نوبه خود، ارائه مکانیسم های شکایت مناسب بستگی دارد. [۳] گزارشات متعددی وجود دارد که اگرچه قوانین واضحی علیه خشونت علیه کودکان به طور کلی وجود دارد، علاوه بر ممنوعیت تنبیه بدنی در مدارس و سایر محیط ها، در حال حاضر هیچ مکانیزمی برای شکایت مستقیم کودکان به پلیس در مورد خشونت یا تهدید به خشونت وجود ندارد. مسئولیت گزارش خشونت بر عهده والدین یا معلم است. بنابراین ضعف قانونگزاری در این یکی از علل گسترش خشونت در مدارس است که باید قانونگذار با همکاری مدیران و بخش آموزش این نقیصه را پوشش دهند. [۱۴]

۵- نتیجه گیری

خشونت در مدارس یکی از بارزترین اشکال خشونت علیه کودکان است. خشونت در مدارس می تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از خشونت فیزیکی گرفته تا خشونت روانی، که اغلب از طریق اعمال قلدری، ارباب و سرکوب بیان می شود. خشونت در مدارس باعث ایجاد ناامنی و ترس می شود که به فضای عمومی مدرسه آسیب می رساند و حق دانش آموزان را برای یادگیری در محیطی امن و بدون تهدید نقض می کند. اگر کودکان در محیطی عاری از خشونت نباشند، مدارس نمی توانند نقش خود را به عنوان مکان یادگیری دانش و مهارت های و اجتماعی ایفا کنند. خشونت در مدارس می تواند به طور جدی حقوق کودکان را مختل کند. به طور کلی، کودکانی که در محیط های خشونت آمیز درس می خوانند، نتایج تحصیلی کمتری نسبت به آن هایی که مطالعه نمی کنند، کسب می کنند و کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، اغلب کاهش قابل توجهی در پیشرفت تحصیلی و بی میلی برای شرکت در فعالیت های مدرسه نشان می دهند. علاوه بر این، حق آنها برای اوقات فراغت، بازی و تفریح می تواند به خطر بیفتد زیرا آنها خود را از سایر کودکان منزوی می کنند و علاقه خود را به سرگرمی ها و فعالیت های بعد از مدرسه از دست می دهند.

شواهد نشان می دهد که کودکانی که به دیگران قلدری می کنند نیز ممکن است از سلامت روانی ضعیف رنج ببرند. اغلب آنها از این رفتار بزرگتر نمی شوند و در عوض آن را به روابط شخصی، خانوادگی و کاری بزرگسالان منتقل می کنند. این شامل تمام هزینه های مرتبط با فرد، اطرافیان و جامعه به عنوان یک کل است. تأثیر منفی خشونت در مدارس فراتر از کودکانی است که مستقیماً تحت تأثیر خشونت قرار می گیرند. همچنین تأثیر نامحسوسی بر دانش آموزانی که شاهد آن هستند می گذارد و فضایی از ترس، اضطراب و ناامنی ناسازگار با یادگیری ایجاد می کند. در نهایت خشونت یا تهدید به خشونت ممکن است به



گونه ای باشد که کودکان مدرسه را ترک کنند یا توسط والدین نگران در خانه نگهداری شوند. در نتیجه بر شانس آنها برای خروج از فقر تأثیر منفی می گذارد. مدارس باید احتمال خشونت را پیش‌بینی کنند و از وجود رویه‌هایی برای مقابله با چنین حوادثی اطمینان حاصل کنند. رسیدگی به حوادث خشونت همچنین از مدارس می خواهد تا فرصت‌هایی برای اصلاح، حمایت و مشاوره و جبران خسارت ایجاد کنند. به لطف کار طیف وسیعی از عوامل متعهد، اطلاعات روزافزونی در مورد چگونگی مقابله با خشونت در مدارس و اطراف آن و فراهم کردن محیط امنی برای کودکان برای رشد و یادگیری وجود دارد. بنابراین، فرصت‌ها برای به اشتراک گذاشتن این تجربه انباشته برای پیشبرد هدف مدارس عاری از خشونت، حرکت به سمت جوامع عاری از خشونت و ایجاد تعهد برای تغییر مثبت برای کودکان در سراسر جهان بسیار مهم است. برخی از کشورها در اجرای بیشتر رویکردهای امیدوارکننده پیشگام بوده اند، در حالی که برخی دیگر هنوز راه زیادی در پیش دارند.

۶- منابع

- [1] Dodd, Chris, 2011, Ending Corporal Punishment of Children. A handbook for working with and within religious communities, Churches' Network for Non-violence.
- [2] Durrant, Joan, 2007, Positive Discipline: What it is and how to do it, Save the Children Sweden South East Asia and the Pacific.
- [3] Ellery, F., N. Kassam and C. Bazan, 2010, Prevention Pays: the economic benefits of ending violence in schools, Plan.
- [4] Galvin, Peter, 2006, "The role of a school audit in preventing and minimizing violence", in Chris Gittins (coordinator), Violence reduction in schools—how to make a difference, Council of Europe.
- [5] ILO, 2012, "Violence and stress in education workplaces", Sectoral Activities Programme.
- [6] Berger, E., Chionh, N., & Miko, A. (2022). School leaders' experiences on dealing with students exposed to domestic violence. *Journal of family violence*, 37(7), 1089-1100.
- [7] Ssenyonga, J., Katharin, H., Mattonet, K., Nkuba, M., & Hecker, T. (2022). Reducing teachers' use of violence toward students: A cluster-randomized controlled trial in secondary schools in Southwestern Uganda. *Children and youth services review*, 138, ۱۰۶۵۲۱.
- [8] Prodromou, L. (1992). What culture? Which culture? Cross-cultural factors in language learning. *ELT Journal*, 46(1), 39-50.
- [9] Eisenbraun, K. D. (2007). Violence in schools: Prevalence, prediction, and prevention. *Aggression and violent behavior*, 12(4), 459-469.
- [10] Porter, P., Lingard, B. and Knight, J. (1994) Changing administration and administering
- [11] change: an analysis of the state of Australian education, in F. Crowther, B. Caldwell, J. Chapman, G. Lakomski and D. Ogilvie (eds) *The Workplace in Education: Australian Perspectives*. Sydney: Edward Arnold.
- [12] Preston, B. (1996) Professional practice in school teaching, *Australian Journal of Education*, of Contemporary Literature. Brisbane: Research Services, Division of Curriculum Services, Department of Education.
- [13] Raymond, D., Butt, R. and Townsend, D. (1992) Contexts for teacher development: insights from teachers' stories, in A. Hargraves and M. Fullan (eds) *Understanding Teacher Development*. New York: Teachers College Press.